

بررسی تطبیقی جایگاه هوش معنوی از منظر آیات و روایات

سیده رقیه حسینی^۱

چکیده

این مقاله با عنوان «بررسی تطبیقی جایگاه هوش معنوی در قرآن و روایات» می باشد که مفهوم هوش معنوی را با روش توصیفی و تحلیلی بررسی می کند تا به جایگاه و معانی دقیق آن در نظام معنایی قرآن و روایات و روانشناسی دست یابد و تلاش دارد تا با پژوهش بین رشته ای به بررسی تطبیقی این مفهوم در اسلام و روانشناسی بپردازد. از آنجا که بررسی برخی از مفاهیم برای تبیین دیدگاه های اسلام با علوم جدید ضرورت دارد این پژوهش به این هدف مهم توجه دارد.

از نتایج حاصله این گونه تبیین می شود که دیدگاه قرآن و روایات در خصوص هوش معنوی و پرورش آن مؤلفه های مشترک و همانند وجود دارد و در برخی زمینه ها هم تفاوتی در رشد و پرورش هوش معنوی مشاهده شده است و راه کارهای ارائه شده در پرورش هوش معنوی از همگونی و همانندی برخوردارند.

واژه های کلیدی:

قرآن، روایات، معنویت، هوش، هوش معنوی.

مقدمه

^۱ طلبه ورودی ۹۳ مدرسه علمیه ریحانه الرسول (س) شهرستان نکا.

یکی از عوامل موفقیت انسانها و دستاوردهای بزرگ، در طول تاریخ بهره‌مندی از هوش می باشد. و دین اسلام راهکارهایی برای افزایش هوش، ارائه داده است و معنویت رهاورد بزرگ پیامبران برای بشریت بوده است. ارائه مفاهیم تقوا، توبه، عقل در تعالیم دینی چراغ روشنی در مسیر بندگی و عبودیت روشن فضای دل و شکوفای هوش معنوی است.

هدف از انجام این تحقیق بالابردن سطح هوش انسانها از طریق راهبردهایی اسلامی می باشد، اما با این وجود بهره‌وری مردم از توصیه‌های اسلامی برای افزایش هوش بسیار کم می باشد. و تجربه نشان می‌دهد که در طول تاریخ هر چه هوش ظاهری بشر بیشتر شده است گرایش ناهنجار، راه‌های خطا و مساله‌آفرینی و ایجاد معضل و بحران برای بشریت بیشتر شده است. انسان‌های بزرگ (پیامبران، ائمه، دانشمندان) با استفاده از هوش معنوی در تکامل خود و افراد جامعه بشری نقش بسزایی داشته و با بهره‌گیری از آن توانستند دین، مکتب و مذهب و علوم را در جهان رهبری و هدایت کند که منشاء سعادت در طول زندگی انسان‌ها باشد. لذا چنانچه که شاهد هستیم نقش هوش معنوی در جوامعی که از آن استفاده و بهره‌می‌بردند به خوبی در موفقیت و سعادت آن رشد یافته است.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که هوش معنوی از قرآن و روایات چگونه است (درباره هوش افراد زیادی به تحقیق پرداخته‌اند که عبارت است از:

۱- علیرضا رجایی در پژوهشنامه‌ای به نام هوش معنوی

۲- فرامرز سهرابی در مقاله‌ای به نام درآمدی بر هوش معنوی

۳- مهدی گنجی در کتابی به نام هوش هیجانی .

چارچوب مفهومی

معنای لغوی و اصطلاحی معنویت

«معنویت» در لغت مصدری جَعَلی، و از واژه «معنوی» ساخته شده است. معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه معنی که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است، مشتق گردیده است. بنابراین، معنوی یعنی منسوب به معنی و در مقابل لفظی است. این کلمه در معانی دیگری از جمله: «حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی، و روحانی» نیز به کار می‌رود.

تعریف لغوی هوش: از نظر لغوی در فرهنگ فارسی معین هوش به زیرکی، آگاهی، عقل و فهم، جان و روان معنا شده است.^۱ به نظر می‌رسد از هر کس پرسیم هوش چیست؟ می‌تواند پاسخ ما را به درستی بدهد. د. عامه مردم، هوش را توانایی یادگیری، درک موقعیت‌های جدید و برخورد صحیح با موقعیتها می‌دانند. در بیان روزمره، شخص باهوش با صفتهایی مانند دقیق، زیرک، تیزبین، برجسته و مانند این‌ها توصیف می‌شود. برعکس شخص کم‌هوش با صفتهایی مانند کند، دیرآموز، کودن و غیره مشخص می‌گردد. تا به حال تعریف دقیقی از هوش به عمل نیامده است، کوشش‌هایی که برای تدوین یک تعریف دقیق از هوش به عمل آمده، اغلب با مشکل مواجه بوده و به تعریف‌های بحث‌انگیزی منجر شده است. دلیل این امر این است که هوش، یک مفهوم انتزاعی است و در واقع هیچ‌گونه پایه محسوس، عینی و فیزیکی ندارد. هیچ نقطه‌ای از مغز انسان وجود ندارد که بتوان آن را جایگاه هوش دانست.

معنای اصطلاحی هوش:

اصطلاح هوش، فقط نامی است که به فرایندهای ذهنی یا مجموعه رفتارهای هوشمندانه اطلاق می‌شود و نظریه‌های هوش در عمل نظریه‌های مربوط به رفتار هوشمندانه است. یکی از قدیمی‌ترین تعریف‌های هوش توسط بینه و سیمون، بدین‌صورت مطرح شده است: «قضاوت و به عبارتی دیگر عقل سلیم، شعور عملی، ابتکار، استعداد، انطباق خود با موقعیت‌های مختلف، به خوبی قضاوت کردن، به خوبی درک کردن و به خوبی استدلال کردن، اینها فعالیت‌های اساسی هوش به شمار می‌روند».

مفهوم هوش معنوی در بر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسأله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و غیره را شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید. این هوش به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد. فرد دارای آنچه به عنوان اصول اساسی در دین مطرح است (مثل دستیابی به وحدت در ورای کثرت ظاهری، یافتن پاسخ در مورد مبدأ هستی و تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای آن ها) محورهای اصلی هوش معنوی را نیز شامل می‌شود.^۲ "هوش معنوی" در بردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسأله است که بالاترین سطح رشد

۱ فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص

۲ خبری بناب، باقر؛ نوری زاده، مریم و امامی نائینی، نسرين. (۱۳۸۵). پیام مشاور، شماره ۴۵، سال پنجم.

در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی را شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می نماید. پس از گسترش مفهوم هوش به سایر قلمروها، ظرفیت ها و توانایی های انسان و به خصوص مطرح شدن هوش هیجانی در روانشناسی، ایمنونز در سال ۱۹۹۹، هوش معنوی را مطرح نمود و آن را مجموعه ای از توانایی ها برای بهره گیری از منابع دینی و معنوی عنوان نمود. هوش معنوی سازه های هوش و معنویت را در یک سازه ترکیب نموده است در حالی که معنویت جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معنا یابی، هشیاری بالا و تعالی است، هوش معنوی شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعات است که می تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش بینی کند و منجر به تولیدات و نتایج ارزشمندی گردد. گاردنر در نظریه هوش چند گانه عنوان می کند، چنانچه بخواهیم مجموعه ای از ظرفیت ها یا توانایی ها را به عنوان هوش قلمداد کنیم باید هشت معیار را در نظر بگیریم: ۱- مجموعه ای از فعالیت های مشخص را در برگیرد. ۲- دارای تاریخچه تکاملی باشد و از نظر تکاملی عقلانی به نظر برسد. ۳- دارای الگوی به خصوصی از رشد و تحول باشد. ۴- بتوانیم از طریق آسیب مغزی آن را مشخص کنیم. ۵- افراد را بتوانیم در گستره ای از وجود آن توانایی و یا فقدان آن طبقه بندی کنیم. ۶ - قابلیت برای رمزگردانی با یک سیستم نمادی را داشته باشد.

مولفه های هوش معنوی

تاریخچه ی هوش معنوی

آنچه از بررسی تعریف صاحب نظرانی همچون گاردنر، هیلگارد و کسلر و... از هوش بر می آید، آن است که همگی هوش را قابلیت بهره گیری از نرم افزارهای وجودی تعریف می کنند. تجربه نشان می دهد که در طول تاریخ، هر چه هوش ظاهری بشر بیشتر شده است، گرایش های ناهنجار، راه های خطا و مسأله آفرینی و ایجاد معضل و بحران برای بشریت نیز بیشتر شده است. روانشناسان در ابتدا با تعریف هوش هیجانی سعی کردند این آسیب را جبران نمایند. سپس با اضافه کردن انواع جدیدی از هوش تحت عنوان «هوش معنوی» و «هوش وجودی» که متوجه مفاهیمی نظیر مرگ و زندگی است، سعی در تکمیل تعریف خود نمودند. برخلاف هوش ظاهری که فعالیت آن را به حواس پنجگانه مربوط است، هوش باطنی با درک جهان پیرامونی به عنوان تجلیات ارتباط دارد و جمال الهی، هوش باطنی خفته را بیدار می سازد. قانون حکمت هوشمندی هستی، به واسطه هوش باطنی فعال درک می شود و این هوش تابع اصل وحدت است و فاقد گوناگونی و تنوع می باشد. از این منظر همه انسان ها با هوشند، چرا که هر انسانی قابلیت دریافت شهودی را دارد و صرفاً لازم است سنسورهای شهودی وی در بخش ذهن فعال شود تا هوش نهفته در انسان بیدار شود. هوش معنوی اولین بار در سال ۲۰۰۰ از سوی متفکران غربی چاپ شد و این نقطه عطفی بود برای یکپارچگی زندگی درونی ذهن و روح با زندگی بیرونی از امور جهان است. هوش گاهی اوقات به عنوان توانایی اداره کردن پیچیدگی شناختی تعریف می شود برای مثال در فرهنگ لغت وبستر (۱۹۹۳، Mish) هوش شامل توانایی فهمیدن، به کار بردن دانش ماهرانه، نتیجه را مورد استفاده قرار دادن و محیط شخص را زیر نفوذ خود در آوردن تعریف می شود. دیدگاهی که هوش شامل بسیاری از توانای مختلف است به وسیله گرایش های رایج در عصب شناسی و روانشناسی شناختی مورد حمایت قرار گرفته است. در میان تحقیقاتی که نوع های مختلف هوش را کشف کرده اند هوارد گاردنر (۱۹۹۳) پیش قدم کار بر روی هوش های چند گانه در هاروارد است که به مردم کمک کند بفهمند هوش چندگانه است. او به صورت رایج در مدارس بسیاری در آمریکا به کار پرداخت.

آموزه های لازم برای پرورش و رشد هوش معنوی

۱- تأکید و ترغیب به تعلیم و تعلّم

از عوامل مهم پیشرفت و تکامل انسانی، درایت و آگاهی و از مهمترین عوامل هلاکت و گمراهی و انحراف از تعادل انسانی نادانی است^۱. خداوند سبحان در قرآن کریم، بدترین جنبدگان در زمین را آن دسته از انسان هایی دانسته که با داشتن نعمت عقل از آن بهره ای ندارند و در نادانی حیات خویش را سپری می کنند «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»^۲ به یقین یکی از بهترین راه های شکوفا ساختن عقل و

۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). ادب قضا در اسلام. قم: اسراء. (چاپ اول).

۲. انفال/۲۲

۳- پیروی از هوا و هوس ها

«أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَّزَّهُمْ أَزًّا» آیا ندانسته‌ای که ما شیطان‌ها را بر کافران فرستادیم تا آنان را به شدت به سوی گناهان و شهوات برانگیزند.

۴- غرور و خود خواهی

نمونه آن ابلیس، که غرق غرور و خودخواهی خویش بود، آن چنان که عقل و هوش او را پوشانده بود، گستاخانه در برابر پرسش پروردگار به پاسخ پرداخت و "گفت: من هرگز برای بشری که او را از خاک خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده است، آفریده‌ای، سجده نخواهم کرد" (قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ).^۲

۵- غفلت و بی خبری

غفلت دارای مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که هر گونه بی خبری از شریط زمان و مکانی (که انسان در آن زندگی می‌کند) و از واقعیت‌های فعلی و آینده و گذشته خویش و از صفات و اعمال خود و از پیام‌ها و آیات حق و همچنین هشدارهایی که حوادث تلخ و شیرین زندگی، به انسان‌ها می‌دهد را شامل می‌شود. بی‌خبری از این واقعیت‌ها و نداشتن موضع‌گیری صحیح در برابر آن‌ها، خطر بزرگی برای سعادت انسان‌ها است، خطری که هر لحظه ممکن است، دامن انسان را بگیرد و او را به کام نیستی فرو برد، خطری که می‌تواند زحمات سالیان دراز عمر انسان را در یک لحظه بر باد دهد.

شاید بارها، شنیده باشیم که فلان شخص با زحمت بسیار، اموال و سرمایه‌های عظیمی به دست آورده بود، اما بر اثر یک لحظه غفلت آتش‌سوزی عظیمی به وجود آمد که تمام آن‌ها را در کام خود فرو برد، انسان نیز در مسیر سعادت چنین است. ممکن است، افتادن در دام غفلت در یک لحظه کوتاه، سرمایه‌های معنوی او را مبدل به خاکستر حسرت کند. به همین دلیل علمای اخلاق، بحث‌های وسیعی درباره غفلت و ذکر و بیداری (که نقطه مقابل آن است) در کتاب‌های خود آورده‌اند و از عواملی که می‌تواند پرده‌های غفلت را کنار زند و انسان را از خواب غفلت بیدار کند، بحث نموده‌اند.

۱- وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.^۳

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آن‌ها دل‌ها (عقل‌هایی) دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند و نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند، آن‌ها همچون چهار پایانند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند. (زیرا با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند!)).

۱ مریم/ ۸۳

۲ الحجر/ ۲۸

۳ اعراف/ ۱۷۹

۲- وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ^۱.
و وعده حق (قیامت) نزدیک می‌شود، در آن هنگام چشم‌های کافران از وحشت، از حرکت باز می‌ماند، (می-گویند) ای وای! بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم، بلکه ما ستمکار بودیم!

۶- غرور و مستی از ثروت

انَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ^۲.

غرور و مستی ناشی از ثروت به انسان اجازه نمی‌دهد که نصیحت اندرزگويان را بشنود و سخن خیرخواهان را به کار بندد. این مغروران بی خبر، خود را از همه دانشمندتر و آگاه تر می‌دانند، و به گمان اینکه ثروتشان که گاه از طریق غصب حقوق دیگران به دست آمده است، دلیل بر عقل و هوش و درایت آن‌ها است، همه را نادان و خود را دانا می‌پندارند! حتی کارشان به جایی می‌رسد که در برابر پروردگار اظهار وجود می‌کنند و دم از استقلال می‌زنند و می‌گویند: آنچه را پیدا کرده‌ایم به ابتکار و هوش سرشار و خلاقیت و استعداد و اطلاعات بی‌نظیر خودمان بوده است.^۳

پیشنهادهای و راهکارهای رشد و تقویت هوش معنوی با تکیه بر قرآن و روایات نوشتار حاضر با دقت در مفاهیم هوش معنوی در آیات و روایات و روان‌شناسی جهت تعالی بحث و گشودن زوایای جدید در این خصوص پیشنهادات ذیل را به محققان و اندیشمندان و پژوهشگران ارائه می‌نماید.

۱- برگزاری همایش‌های ملی و بین‌المللی در خصوص موضوع هوشی معنوی و مقالات در این حوزه :

۲- برگزاری جلسات نقد و پژوهش در خصوص مفاهیم میان رشته‌ای به ویژه در مورد هوش مصنوعی در اسلام و روان‌شناسی

۳- تدوین کتاب‌های مستقل و بیان رشته‌ای در خصوص هوش معنوی

۴- اختصاص ویژه نامه‌ها در مجلات علمی به بحث هوش معنوی

۵- ورود مفسران و صاحب نظران دینی در بحث‌های روان‌شناسی و بررسی موضوعات جدید از منظر قرآن و روایات.

۱ انبیاء / ۹۷

۲ القصص ، ۷۶

۳ - تفسیر نمونه. ج ۱۶. ص ۱۷۱.

نتیجه

هدف این تحقیق بررسی تطبیقی جایگاه هوش معنوی در قرآن و روایات بود. با در نظر گرفتن معنویت به عنوان یک هوش ادراک ما را از معنویت و هوش افزایش می دهد. هوش معنوی سازه های معنویت و هوش را درون یک سازه جدیدتر ترکیب می کند.

هوش معنوی ، هوش منحصر به فردی است که برای حل کردن مشکلات و مسائل مربوط به معنای زندگی مورد استفاده قرار می گیرد. هوش معنوی برای حل مسئله و در بردارنده نوع رفتار است. که بالاترین درجه را در حیطه مختلف شناختی ، اخلاقی و هیجانی در بردارد و هر فردی را در هماهنگی با محیط اطرافش و به یکنواختی درونی و بیرونی یاری می سازد. هوش معنوی پایه و اساس موضوعاتی است که به آن ایمان داریم و اسسا اعتقادات ، ارزش ها و اعمال و ساخترا زندگی ماست و در نتیجه می توان گفت: برای رشد و همساز فطرت انسان ها، تقویت، ایجاد و شناخت باور به معارف دینی و التزام عملی به احکام و دستورات دینی مطرح شده پرورش هوش معنوی می توانند بسیار کمک کند. هوش معنوی می تواند مهارت های مورد نیاز در تربیت دینی افراد افزایش دهد و زمینه ای ایجاد کند که افراد در زندگی خود، حس عمیقی برای دینداری ، معنا داری ، نوع دوستی و دلسوزی دریابند و بتوانند در سایه دین و معنویت به سطح بالای هوشیاری ، خودآگاهی و تعادل فکری دست یابند.

هوش معنوی ، مفهوم آگاهی از معنویت به عنوان زمینه ای از وجود یا به عنوان نیروی زندگی از تکامل زندگی سات. هوش معنوی هوشیاری کامل درونی، آگاهی عمیق از جسم، ماده ، روان و معنویت است و هوش معنوی بیشتر توانایی ذهنی و فردی است. مفهوم هوش معنوی در بردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطح رشد در حیطه های مختلف شناختی ، اخلاقی ، هیجانی و شامل شود. این هوش به فرد دید کاملی در مورد زندگی و همه رویدادها را می دهد و او را قادر می سازد به چار چوب بندی و تغییر مجدد همه جانبه خود پرداخته ، شناخت و معرفت خویش را عمیق بخشد.

منابع و ماخذ

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۸). غررالحکم و دررالکلم، ترجمه لطیف راشدی. تهران: پیام‌علمدار. چاپ اول.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). فطرت در قرآن. قم: اسرا. چاپ سوم.

- حرانی، شیخ ابومحمد. (۱۳۸۵). تحف العقول عن آل الرسول (ص). قم: انتشارات آل علی.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا و نوری مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). هوش معنوی. فصل نامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی. شماره ۱۰.
- غباری بناب، باقر؛ نوری زاده، مریم و امامی نائینی، نسرین. (۱۳۸۵). پیام مشاور. شماره ۴۵. سال پنجم.
- نیکزاد، عباس. (۱۳۸۶). عقل و دین از دیدگاه ملا صدرا و برخی فیلسوفان صدرایی معاصر. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.